

در سال ۹۵، در هر ساعت ۶ تهرانی از دنیا رفتند



آمارهای اداره ثبت احوال استان تهران جزئیاتی در مورد وفات ثبت شده در استان را نشان می‌دهد که از میان آن‌ها می‌توان به موارد مختلفی از جمله میانگین سنی فوت‌شدگان، مقایسه سنی مردان و زنان و دلایل مختلف فوت، مانند خودکشی، شهادت و بیماری‌ها اشاره کرد.

بر اساس آمارهای ثبت شده در اداره ثبت احوال استان تهران در سال ۹۵، تعداد کل اسناد تنظیم شده برای رویداد وفات برابر با ۵۵ هزار و ۸۶ مورد بود که نسبت به سال قبل از آن ۱٫۴ درصد افزایش داشته‌است. ۵۶ درصد(۳۰ هزار و ۹۷۴ نفر) از این تعداد را مردان و ۳۴ درصد(۲۳ هزار و ۷۹۷ نفر) را زنان تشکیل می‌دهند. میانگین سنی فوت‌شدگان مرد، در استان تهران ۶۷ سال و زنان ۷۵ سال ثبت شده‌است.

زنان تهرانی، دیرتر از مردان فوت کرده‌اند

مقایسه آمارهای ثبتی مربوط به رویدادهای ولادت و وفات بر اساس آمار سال‌های ۸۹ تا ۹۵ نشان می‌دهد که کل اسناد تنظیم شده برای رویداد فوت تقریبا روند ثابتی داشته و در این بازه زمانی تعداد تولدها تقریبا چهار برابر فوتی‌ها بوده‌است که بر اساس این آمارها میزان خام مرگ و میر استان تهران در سال گذشته ۴٫۲ نفر در یک‌هزار نفر بوده و در تمام گروه‌های سنی تعداد فوت‌شدگان زن از مردان کمتر بوده‌است، تنها در گروه سنی بالای ۷۵ سال مرگ زنان و مردان برابر است.

بیماری‌های قلبی و عروقی، بیشترین عامل فوت تهرانی‌ها

به گزارش ایسنا، آمارها نشان می‌دهد که به طور میانگین در هر ساعت، ۶ نفر در استان تهران جان خود را از دست می‌دهند که علت ۴۴ درصد از فوت‌ها «بیماری‌های قلبی و عروقی» بوده‌است. این بیماری‌ها در سال ۹۴ هم به عنوان عامل اصلی مرگ و میر در تهران شناخته شده و ۴۰ درصد از فوت‌های ثبت شده را شامل می‌شدند. عوامل دیگری از جمله بیماری‌های مربوط به دستگاه تنفسی(۱۱٫۶۴ درصد)، سرطان‌ها و تومورها(۱۰٫۵۱ درصد)، بیماری‌های عفونی و انگلی(۹٫۳۳ درصد)، ناهنجاری‌های مادرزادی(۶٫۹۱ درصد)، حوادث غیرعمدی(۴٫۳۲ درصد) و دستگاه گوارشی(۳٫۴۱ درصد) در رده‌های بعدی بیش‌ترین علت مرگ و میرهای استان تهران قرار دارند. در سال ۹۵ بیماری‌های «سیستم عصبی» علت فوت ۴۹۱ نفر و بیماری‌های «غذ، تغذیه و متابولیسم» نیز علت فوت ۶۳۳ نفر بوده‌است که در مقایسه با سال ۹۴ کاهش داشته‌است. همچنین ۲۳۹۹ نفر از تهرانی‌ها سال گذشته در «حوادث غیرعمدی»، جانشان را از دست داده‌اند که در مقایسه با مدت مشابه در سال ۹۴ که ۲۶۰۹ نفر بوده‌است، با کاهش حدود ۲۰ نفری روبه رو بوده‌ایم.

هشت تهرانی به دلیل خسونت فوت کردند

«خسونت به وسیله دیگران»، جان ۸ نفر را در تهران گرفت و از میان شهرستان‌های استان تهران که این علت فوت در آن‌ها ثبت شده، تنها شهرستان پیشوا دارای ۲ مورد است و در سایر شهرستان‌ها یا یک مورد گزارش شده و یا اینکه اصلا چنین موردی ثبت نشده‌است.

شهрияر، صدرنشین آمار فوت به دلیل خودکشی

آمار خودکشی سالال ۹۵ نیز با افزایش حدود دو برابری نسبت به سال ۹۴ همراه بوده‌است. به طوری که در سال گذشته ۴۱ نفر در تهران خودکشی کرده‌اند که ۳۱ نفر از آن‌ها مرد و ۱۰ نفر زن بوده‌اند اما آمارهای ۹۴ حکایت از خودکشی ۲۲ نفر دارد که در این میان تنها ۲ نفرشان زن بوده‌اند. در میان شهرستان‌های استان تهران نیز بیش‌ترین آمار خودکشی به نام شهرستان شهریار ثبت شده‌است. بر این اساس از ۴۱ خودکشی ثبت شده در استان تهران تنها ۲۷ نفر در شهریار خودکشی کرده‌اند که ۲۰ نفر از آنان مرد و ۷ نفر زن بوده‌اند. «نوع تومورها و سرطان‌ها» هم جان ۵۷۹۱ تهرانی را گرفت و این عامل نسبت به سال ۹۴ که ۶۰۳۲ مورد فوتی برای آن ثبت شده بود؛ کاهش را نشان می‌دهد.

۱۰۰ تهرانی، شهید شدند

سال گذشته همچنین ۱۰۰ مرد تهرانی شهید شدند که ثبت شهادت ۹۷ نفر از آنان در شهرستان تهران و در هر کدام از شهرستان‌های اسلاشهر، قرچک و ورامین نیز یک مورد شهادت به ثبت رسیده‌است، در حالی که بر اساس آمارهای سال ۹۴، تعداد شهادت‌های ثبت شده ۷۸ مورد بود که ثبت شهادت یک زن هم در میان آن‌ها به چشم میخور. «تلایم و حالات بد تعریف شده و میهم» علتی است که ۲۴۴۸ نفر به خاطر آن فوت کردند. در سال گذشته همچنین یک مورد فوتی‌ها هم به دلیل «عوارض حاملگی و زایمان»، در شهرستان اسلامشهر ثبت شده‌است. به علت «ناهنجاری کروموزومی» نیز در سال ۹۵، ۲۸۰۴ نفر جان خود را از دست دادند و این در حالی‌است که در سال ۹۴ این عامل علت مرگ ۳۶۵ نفر بود و در طول یک سال افزایش قابل توجهی داشته‌است. علت نامعلوم مرگ هم عاملی‌است که در سال ۹۵ نسبت به سال قبل از آن، کاهش محسوس داشت و از ۳۵۷۱ نفر در سال ۹۴ به ۲۸۴ نفر در سال ۹۵ رسیده‌است.

صادرات و واردات خون نداریم

مدیرعامل سازمان انتقال خون از نیاز سالانه ۲٫۱ میلیون واحد خون در کشور خبر داد و هرگونه صادرات و واردات خون را نیز تکذیب کرد.

دکتر علی اکبر پورفتح‌الله، با بیان اینکه بر اساس آمار سازمان بهداشت جهانی سالانه حدود ۱۱۰ میلیون واحد خون در جهان اهدا می‌شود، گفت: سهم ایران از این میزان ۲٫۱ میلیون واحد است.

وی با بیان اینکه سازمان بهداشت جهانی کشورهای دنیا را به سه دسته کشورهای با درآمد بالا، کشورهای با درآمد متوسط و کشورهای با درآمد پایین تقسیم‌بندی کرده، افزود: در این تقسیم‌بندی در کشورهای پیشرفته و با درآمد بالا به ازای هر هزار نفر ۳۴ واحد خون اهدا می‌شود.

پورفتح‌الله تصریح کرد: در کشورهای متوسط به ازای هر هزار نفر ۱۲٫۵ واحد و در کشورهای فقیر کمتر از این میزان خون اهدا می‌شود و ایران در حالی که به لحاظ درآمدی جزو کشورهای با درآمد متوسط است اما میزان اهدای خون در کشور به ازای هر هزار نفر ۲۷ واحد است و این یعنی دو برابر کشورهای با درآمد متوسط اهدا خون داریم.

وی این میزان اهدا خون را برای رفع نیاز کشور کافی دانست و افزود: در کشورهای پیشرفته که ۳۴ واحد خون اهدا می‌شود، حجم پیوندها و عمل‌های جراحی که خون زیادی نیاز دارند، بالا است.

مدیرعامل س‌سازمان انتقال خون با بیان اینکه هیچ واردات خونی به کشور انجام نمی‌شود، گفت: تنها واردات داروهای مشتق شده از پلاسما را داریم که در تلاش هستیم که این پلاسما نیز منشأ ایرانی پیدا کند.

وی افزود: با ترویج فرهنگ اهدای پلاسما قادر خواهیم بود که بخش عمده‌ای از این پلاسما نیز که دارو و آن گرفته می‌شود، ایرانی باشد.

پورفتح‌الله تصریح کرد: در حال حاضر بیش از ۵۰ درصد داروهای مشتق از پلاسما، از پلاسما ایرانی گرفته می‌شود اما باید با ترویج اهدای پلاسما در کشور این میزان را به ۱۰۰ درصد رساند.

مدیرعامل س‌سازمان انتقال خون افزود: در همین راستا و به منظور ترویج فرهنگ اهدای پلاسما، کارلر جامع خون‌گیری در کشور در حال راه‌اندازی است. در این مراکز در کنار اهدای خون کامل، افراد می‌توانند اهدای پلاسما و پلاکت داشته باشند و به دنبال این هستیم که این مراکز در هر استان کشور راه‌اندازی شوند.

پورفتح‌الله با بیان اینکه به هیچ وجه صادرات خون نیز نداریم، گفت: ما تنها پلاسما را تحت نظارت سازمان انتقال خون و سازمان غذا و دارو از کشور خارج کرده و داروهای به دست آمده از آن را وارد می‌کنیم و به هیچ عنوان صادرات و واردات خون نداریم.

مدیرعامل سازمان انتقال خون در خصوص بیماری‌های منتقله از طریق خون‌های اهدایی در کشور، گفت: با پیش صورت گرفته به هیچ عنوان انتقال سه بیماری مهم ایدز، هپاتیت B و هپاتیت C از طریق خون‌های منتقل شده در سازمان انتقال خون کشور را نداریم.

برخورد پلیس با نمادهای موادمخدر روی البسه و خودروها

اینجا همه مثل هم هستند؛ یک درد مشترک پنهانی دارند که دیگران هرگز از چهره آن‌ها نخواهند فهمید. انگار که هیچ اتفاقی نیفتاده و زندگی همان‌طور که باید، ادامه دارد؛ فقط کمی متفاوت‌تر …

انجمن احیای ارزش‌ها که حدود ۱۸ سال است در حوزه آسیب‌های اجتماعی فعالیت می‌کند، بخشی از فعالیت‌های خودش را به حمایت از زنان مبتلا به ایدز اختصاص داده‌است؛ زمانی که بیشتر آن‌ها از طریق همسران خود به این بیماری مبتلا شدند و گاهی هم در میان آن‌ها کسانی هستند که کودکان‌شان با ایدز زندگی می‌کنند.

ایسنا می‌نویسد؛ جلسه‌های انجمن احیای ارزش‌ها برای زنان، هفتگی است؛ آن‌ها هر هفته چهارشنبه حوالی ظهر دور هم جمع می‌شوند و با هم درباره بیماری، کار، ازدواج و فرزندانشان حرف می‌زنند و یاد می‌گیرند چطور باید با آج وی کنار بیایند و حال‌شان را خوب نگهدارند. بعد از تمام شدن یکی از این جلسات قرار شد با چند نفر از آن‌ها صحبت کنیم. از بین حدود ۲۰ زن تنها سه نفر قبول کردند که حرف بزنند؛ نسرين، لاله و مریم (تمام اسامی مستعار است). دیگران فکر می‌کردند ممکن است کسی آن‌ها را بشناسد و برایشان دردرس شود.

روایت اول: لاله

ایدز بیماری‌است نه گناه

"لاله" اولین کسی بود که به صحبت کردن درباره بیماری‌اش روی خوش نشان داد و استقبال کرد. بدون ترس درباره اتفاقی که برایش افتاد صحبت می‌کرد، لابه‌لای صحبت‌هایش مدام تاکید می‌کرد «هر کسی که ایدز دارد گناهکار نیست». او هشت سال پیش، زمانی که همسرش داشته به این بیماری مبتلا می‌شود. لاله می‌گوید: «هن هشت سال پیش فهمیدم که بیمار هستم. از همسرم این بیماری را گرفتم، او هم در آمریکا این بیماری را گرفته بود، ولی خودش هم نمی‌دانست. از هشت سال پیش هم دیگر ارتباطی با هم نداریم.»

وی ادامه می‌دهد: «ما فقط یک سال با هم بودیم. در این یک سال، سطح ایمنی بدن او کمتر از من شد و بیماری خودش را نشان داده بود، ولی من هنوز تغییراتی نداشتم. بعد از اینکه فهمیدم، او گفت مشکل از شما بوده. بعد از شش ماه که هر سه ماه یک بار آزمایش دادم، جواب آن مثبت شد. اصلا قبول نمی‌کرد و قضاوت ناعادلانه داشت. بعد از آن هم نتخواستم که او را ببینم. از هم جدا شدیم و الان هم آمریکااست.»

لاله هم مثل مریم ترجیح داده که همه درباره بیماری او ندانند، تنها مادرش از ماجرا خبر دارد و می‌گوید: «از خانواده‌ام فقط مادمم این موضوع را می‌داند. او هم چهار سال است که متوجه شده، سعی کردم کسی نداند و لزومی برای این کار نمی‌دانستم. بچه که نیستم، ۳۵ سالمه. ترسی نداشتم. همان چند ماه اول همه چیز را پذیرفتم. وقتی مشکلی به این شکل برایت پیش می‌آید، اگر کمی سیب‌هایت با خدا اتصال داشته باشی، خودش شکر می‌کند که ببذیری و طاقث خیلی چیزها را نداشته باشی و باور کنی که این مشکل مثل همه مشکل‌های دیگر است، مثل همه بیماری‌های خاص دیگر هممان ناخوانده است.»

لاله تعریف می‌کند: «هر روز صبح که از خواب بیدار می‌شوم انتظار یک اتفاق تازه را دارم، خوب یا بد. برای همین هم راحت توانستم با این بیماری کنار بیوم. از این هم اذیت نمی‌شوم که چرا بعضی‌ها رفتار خوبی با من ندارند، برای آن‌ها ناراحت می‌شدم که چقدر می‌توانند کوتاه فکر باشند. اتفاقا خیلی به خودم می‌بالیدم، خوشحال می‌شدم کسی که مثلا می‌خواهد از من خون بگیرد چند لایه دستکش می‌پوشد. می‌گفتم چقدر عالی که اطلاعات دارد و می‌داند که باید از خودش مراقبت کند. وقتی شما

ایمنی بدن خودت را حفظ کنی، به خودت و بیمار امنیت خاطر می‌دهی.»

برای لاله مهم است کسی که برای او کاری انجام می‌دهد، مراقب سلامت خودش باشد، با این کار هم خیال خودش راحت است و هم طرف مقابل. حتی لزومی ندارد که حتما یکی از دو طرف بیمار باشد، کسی که با سلامت دیگران کار دارد باید همیشه مراقب خودش باشد، مثل آرایشگاه‌ها، بیمارستان‌ها، پزشک‌ها و…

او قبل از ابتلا به بیماری درباره ایدز اطلاعاتی داشته اما نه به اندازه امروز و می‌گوید: «خیلی از مردم تا این موضوع را می‌فهمند تعجب می‌کنند و می‌ترسند؛ چون همیشه این موضوع را غیراخلاقی می‌دانند. در صورتی که همه ما در معرض خطر هستیم. حتی سیستم آموزشی هم نمی‌داند در قبال دانش‌آموزان مسئول هستند که این اطلاعات را به آن‌ها بدهند.» لاله حالا دیگر تصمیمی برای ازدواج ندارد و از هشت سال پیش تنهایی را انتخاب کرده. اما مطمئن است اگر روزی قرار باشد ازدواج کند، حتما همسرش را در جریان بیماری‌اش قرار می‌هد.

لاله ترسیدن را حق همه کسانی می‌داند که قرار است با ایدز روبرو شوند و با آن زندگی می‌کنند. او در این‌باره می‌گوید: «این کسی است که وقتی می‌فهمد مبتلا است یا در معرض آن قرار دارد، بترسد. نه فقط برای این بیماری، برای هر مورد دیگری هم ممکن است همین حس وجود داشته باشد. ولی این بیماری کمی حس ترس بیشتری دارد، فقط به این دلیل که درمان ندارد. ولی این‌سه معنی غیرقابل کنترل بودن آن نیست.»

لاله در پایان صحبت‌هایش می‌گوید: « کسانی که در معرض ابتلا به ایدز قرار دارند یا اینکه مبتلا هستند، سعی کنند به خدا بیشتر نزدیک شوند چون فقط او است که می‌تواند آن‌ها را در مسیر این بیماری هدایت کند. این بیماری میمان آن‌ها شده‌است. باید بدانند که گناهکار نیستند، احساس گناه نکنند. خدا مهربان است، یک‌روز هم راه درمان آن پیدا می‌شود. انسان هم جای‌الخاست.»

روایت دوم: مریم

باید چکنید تا شکست نخورد

نفر بعد مریم بود؛ حدوداً ۴۰ ساله، ساکن منطقه مولوی تهران و مادر دو فرزند که با همسر اولش زندگی می‌کنند.

بیماری را از همسر دومش که اعتیاد دارد، گرفته. او تعریف می‌کند اولین دفعه‌ای که متوجه این بیماری شد زمانی بود که برای انجام آزمایشی به پزشکان بدون مرز منطقه محل سکونتش مراجعه کرد و در این‌باره می‌گوید: «من برای انجام آزمایشی به پزشکان بدون مرز منطقه مولوی مراجعه کرده بودم. اولین‌بار آنجا بود که فهمیدم این بیماری را دارم. بیماری را هم از شوهر دومم گرفتم. نمی‌دانستم که بیمار است. از راه تزریق با سرنگ سرگت مشترک آلوده مبتلا شده بود، خودش می‌دانست که بیمار است ولی به من نگفته بود.»

او می‌گوید پیش از اینکه با خبر شده مبتلا به این بیماری است درباره آن اطلاعی نداشته و اضافه می‌کند: «وقتی این موضوع را فهمیدم مثل دیوانه‌ها شده بودم. اول نمی‌دانستم این بیماری یعنی چه؟ وقتی گفتند تو "آج آی وی" داری خندیدم، بعد برابم بیشتر توضیح دادند. حالم خراب شد، طوری از آنجا خارج شدم که انگار جلویم را نمی‌دیدم. شب به شوهرم قضیه را گفتم، از او پرسیدم تو بیماری. گفت نه. گفتم من با هیچکس به جز تو رابطه‌ای نداشتم. مطمئنم از خودم، چرا این‌کار را کردی؟ گفت از دوست داشتن زیاد بود. می‌ترسیدم ازم جدا بشی.»

وی می‌گوید: «به جز همسرم هیچ‌کس از این

رئیس پلیس مبارزه با مواد مخدر ناجا از برخورد با خودروها و فروشندگان البسه دارای استیکر و نمادهای موادمخدر همچون ماری‌جوانا و … خبر داد.

سردار مسعود زاهدیان، درباره خودروهای که رانندگان‌شان اقدام به چسباندن نمادهای موادمخدر در قسمت‌های مختلف آن می‌کنند، گفت: تبلیغ و تشویق به مصرف موادمخدر جرم است، از این رو چنین اقداماتی هم جرم محسوب شده و با خودروهایی که نمادهایی از موادمخدر روی بدنه یا بخش‌های مختلفی از آنان نصب شود برخورد خواهد شد.

وی ادامه داد: ما این موضوع را با پلیس راهور مطرح کرده و از آنان خواستیم که به این موضوع نیز ورود کنند که خوشبختانه هماهنگی خوبی نیز در این زمینه وجود دارد.

رئیس پلیس مبارزه با موادمخدر ناجا همچنین با اشاره به البسه و اقلام تزئینی که چنین نمادهایی روی آن چاپ شده نیز به استناف و پلیس اماکن مطرح کرده و قطعا با چنین مواردی نیز برخورد خواهد شد. زاهدیان با اشاره به اینکه ممکن است برخی ناآگاهانه از چنین اقلامی استفاده کنند، اظهارکرد: برخورد با چنین افرادی در دفعات نخست به شکل ارشادی است، اما قطعا میان این فرد و افرادی که با هدف ترویج و اشاعه مصرف مواد مخدر دست به چنین اقدامی می‌زنند تفاوت وجود دارد، ضمن اینکه فروشگاه‌ها باید بدانند که عرضه چنین نمادهایی ممنوع و غیرقانونی است.

مهمانی ناخوانده؛ فرجام بی‌اطلاعی از طاعون قرن



موضوع اطلاعی ندارد. من اصلا خانواده‌ای ندارم و

این موضوع را هم به هیچ‌کس نگفتم. فقط میان خودم و شوهرم است. بچه‌هایم هم نمی‌دانند، چون شکست می‌خورند. دخترم ۱۴ سالش است و ازدواج کرده، چون می‌دانستم او هم شکست می‌خورد، چیزی نگفتم. حتی بعدا هم به آن‌ها نمی‌گویم، می‌خواهم زندگی کنند. نمی‌توانم ببینم که دارند یا من می‌سوزند.»

مریم از همان ابتدا پذیرفته که بیمار است و باید با

آن زندگی کند و می‌گوید: «این موضوع را پذیرفتم و الان هم در کنار شوهرم زندگی می‌کنم. زندگی خیلی خوبی دارم. دو تا بچه از شوهر اولم دارم. تحت درمان هستم ولی هنوز به قرص احتیاج ندارم.» «سی دی فور " خونم (نوعی خاص از گلبول‌های سفید خون) به

هزار رسیده‌است. باید با این بیماری جنگید که ازش شکست نخوری. من هم دارم با آن می‌سازم. طوری می‌جنگم که شکستش بدهم. امسال برنامه جدیدم این است که با شوهرم بروم شمال و دنبال کار بگردم. بیمارستان یا آرایشگاه که می‌روم می‌گویم بیمارم. آرایشگرم دوست صمیمی من است، وسایل را خودم به او می‌دهم.»

روایت سوم: نسرين

زندگی از تو نسرين نفر سوم است، دیرتر از بقیه تصمیم گرفت صحبت کند. با صدایی بسیار آرام که گاهی به سختی شنیده می‌شد و چهره‌ای که کمی نگران بود. گفت می‌خواهم اطلاع‌رسانی کنم، کمک کنم. حرف بزنم. او وضعیت جسمی متفاوت‌تری داشت. به خاطر بیماری که از ابتلا به آن بی‌خبر بود، از نظر جسمی ضعیف شد، سل گرفت و در بیمارستان بستری شد. شدت بیماری به حدی بود که خودش می‌گفت تا پای مرگ رفتم و برگشتم. ولی الان دارم زندگی‌ام را می‌کنم.

نسرين هم از طریق همسر خود مبتلا به بیماری شده؛ مرد اعتیاد داشت اما از مبتلا شدنش بی‌خبر بوده و تاکید دارد که مقصر بیمار شدن نسرين نبوده‌است. نسرين هم به همین خاطر از همسرش جدا می‌شود. او تعریف می‌کند: «بعد از حدود سه سال این موضوع را فهمیدم. فکر می‌کردم شوهرم فقط به تریاک اعتیاد دارد و نمی‌دانستم تزریق می‌کند. وقتی خودش فهمید، خیلی ناراحت شد. بعد از یک نظر شورای خیلی سخت، الان داروهایم را مصرف می‌کنم. نسبت به چند ماه قبل سی سی دی فور خونم بالا رفته و در عرض دو سال و نیم از دو به ۳۰۰ رسیده‌است.»

او بچه ندارد اما بعد از جدایی، تصمیم دارد دوباره به زندگی مشترک قبلی بازگردد و می‌گوید: « بعد از جداشدن زهره روحی شدیدی بیمارستان‌ها ایجاد می‌شود (هاسپیس) بسیار موثر است.

وی اضافه کرد: پوشش بیمه‌ای این خدمات هم به نفع بیماران است و هم به نفع مردم زیرا موجب صرفه‌جویی در هزینه‌ها می‌شود و حداقل دو سوم از هزینه‌های مراقبت از بیماران را کاهش می‌دهد

سازمان بیمه سلامت ایرانیان، خدمات پرستاری در منزل را پوشش می‌دهد



وزیر بهداشت، درمان و آموزش پزشکی گفت: از سازمان بیمه سلامت ایرانیان که به تازگی به مجموعه وزارت بهداشت اضافه شد است، خواهم خواست تا خدمات پرستاری در منزل را تحت پوشش قرار دهد.

سید حسن هاشمی در دومین همایش پرستاری جامعه‌تکر در سالن همایش‌های رازی افزود: سازمان‌های بیمه‌گر به طور کلی زیر نظر شورای عالی بیمه هستند و در طول ۴ سال گذشته حرف و حدیث‌های زیادی در این زمینه بوده‌است اما در مورد خدمات پرستاری در منزل (هوم کر) پوشش این خدمات را از سازمان بیمه خدمات سلامت با حدود ۴۰ میلیون بیمه‌گر به تازگی به مجموعه وزارت بهداشت اضافه شده‌است و خواهم خواست.

وی اضافه کرد: پوشش بیمه‌ای این خدمات هم به نفع بیماران است و هم به نفع مردم زیرا موجب صرفه‌جویی در هزینه‌ها می‌شود و حداقل دو سوم از هزینه‌های مراقبت از بیماران را کاهش می‌دهد زیرا هزینه این مراقبت‌ها در منزل حدود یک سوم هزینه مراقبت‌ها در بیمارستان‌ها است. وی افزود: علاوه بر آن ارائه خدمات تخصصی در منزل باعث می‌شود که بخش زیادی از تخت‌های بیمارستانی آزاد شود و این موضوع در بهبود کیفیت